

یک دولت تماماً با متغیرهای برون‌زایی مثل تحریم توجیه نمی‌شود. به عنوان سال ۱۴۰۰ سالی بوده که محدودیت‌های تجاری و سیاسی بر مراودات کشور با برجا بوده اما در همین سال ارزش صادراتی از ۴۸ میلیارد دلار هم فراتر رفته که نشان از رشد ۴۰ درصدی در مقایسه با سال ۱۳۹۹ دارد. هر چند در این سال محدودیت‌های کرونایی کاهش پیدا کرده اما رکورد صادرات ۴۸ میلیارد دلاری در سال ۱۴۰۰ حتی از سال ۹۶ که اوج خوشبینی‌ها و رفع محدودیت‌های بین‌المللی و برج‌امی بود در حدود ۲ میلیارد دلار بیشتر بوده است. در ادامه دو برهه متفاوت تجارت خارجی در دولت روحانی را بررسی می‌کنیم. اول دوره نسبتاً موفق ۹۲ تا ۹۶ و بعد از آن دوره نکول از اواخر ۹۶ به بعد.

### نکته مثبت دولت یازدهم؛ بهبود ۱۸ میلیارد دلاری تراز تجاری

در بررسی مجموعه اطلاعات آماری از واردات و صادرات در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ یک نکته مثبت و دو نکته منفی به چشم می‌آید. مورد اول که جنبه مثبت عملکرد دولت یازدهم را نشان می‌دهد بهبود تراز تجاری کشور بوده است؛ تراز تجاری غیر نفتی (مقایسه واردات با صادرات کالاهای غیر نفتی) کشور است که از منفی ۳۳ میلیارد دلار در سال ۸۸ به منفی ۱۸ میلیارد دلار در سال ۹۲ که اولین سال دولت یازدهم نیز محسوب می‌شده، رسیده و در ادامه با کاهش جدی واردات در سال ۹۴ و ۹۵ به ترتیب به مثبت ۸۹ و ۴۰۰ میلیون دلار رسید که اتفاقی مبارک و موفق محسوب می‌شد. به طور کلی در سال‌های قبل از سال ۹۴ تراز تجاری همواره با چیرگی حجم واردات بر صادرات غیرنفتی مواجه بود به طوری که شرایط را برای تجارت ایران به نفع رقبای خارجی تغییر داده بود و نشان از وابستگی وسیع به بازارهای بین‌المللی داشت. بر این اساس رقم ثبت شده تراز تجاری در سال ۹۰، منفی ۱۳ میلیارد و ۴۲۸ میلیون دلار است یعنی تراز تجاری که نشان از توان تولیدی و بازرگانی کشور دارد در دولت یازدهم بیش از ۱۴ میلیارد دلار بهبود پیدا کرده است. البته هر چند در سال ۱۳۹۶ مجدداً تراز تجاری منفی و در حدود ۴ میلیارد دلار ثبت شد اما در همین سال نیز رکورد صادرات غیر نفتی شکسته شد.

### نکته منفی دولت یازدهم؛ تشدید خام فروشی

در طی دولت یازدهم دو نکته منفی به وجود آمده بود که شاید همین مسائل پرونده تجارت در دولت دوازدهم را منفی‌تر از پیش‌بینی‌ها کرد. مورد اول؛ طی دولت یازدهم همچنین ارزش هر تن کالای صادراتی در سال‌های ابتدایی ۹۳ و ۹۴ به رکوردهای جالبی دست پیدا کرد و به اعدادی در حدود ۴۵۰ نیز رسید. در این دو سال همچنین ارزش هر تن کالای وارداتی از ۱۴۰۰ دلار به ۱۲۰۰ دلار رسید که این مهم نیز موفقیت خوبی بود. کارشناسان معتقدند که صادرات و واردات کالاهای کشور از لحاظ ارزش‌افزوده بشدت نامتقارن هستند و کشور ما عمدتاً صادرکننده کالاهای خام یا کالاهای با یک پله ارزش‌افزوده است

**رقم ثبت شده تراز تجاری در سال ۹۰، منفی ۱۳ میلیارد و ۴۲۸ میلیون دلار است یعنی تراز تجاری که نشان از توان تولیدی و بازرگانی کشور دارد در دولت یازدهم بیش از ۱۴ میلیارد دلار بهبود پیدا کرده است. البته هر چند در سال ۱۳۹۶ مجدداً تراز تجاری منفی و در حدود ۴ میلیارد دلار ثبت شد اما در همین سال نیز رکورد صادرات غیر نفتی شکسته شد**

اما در مقابل محصولات وارداتی ارزش‌افزوده بسیار بالایی داشته و عمدتاً نهایی هستند. نامتقارن بودن کالاهای صادراتی و وارداتی در سال ۹۳ و ۹۴ افت پیدا کرده بود اما در ادامه و در سال ۹۵ و ۹۶ به روال سابق و چه بسا سیاه‌تر خود بازگشت. در این دو سال ارزش هر تن کالای صادراتی با کاهش ۲۵ درصدی به رقمی حدود ۳۴۰ دلار و در مقابل ارزش هر تن کالای وارداتی، افزایش و به حدود ۱۵۰۰ دلار رسید. مورد دوم؛ بررسی تفکیکی کالاهای وارداتی نشان می‌دهد که در اواخر دهه ۸۰ میزان واردات کالاهای مصرفی (کالاهای نهایی که آماده مصرف هستند) بالا و در واقع ۲۵ درصد از کل کالاهای وارداتی را تشکیل می‌داد و در مقابل سهم کالاهای واسطه‌ای (کالاهایی که وارد مراحل و زنجیره تولید می‌شوند) بیشتر از ۴۰ درصد از کل واردات نبود. کالاهای واسطه‌ای در تولید سایر کالاهای استفاده می‌شود و جزئی از کالاهای دیگر می‌شوند و کالاهای سرمایه‌ای نیز برای تولید سایر کالاهای استفاده می‌شوند. به‌طور کلی نه تنها ایران بلکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه میزان قابل توجهی واردات کالاهای مصرفی دارند اما نظرات کارشناسان و مطالعات مختلف تأکید می‌کند که این واردات کالا و اقلام سرمایه‌ای و واسطه‌ای است که می‌تواند تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد. ترکیب کالاهای وارداتی به کشور در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ نشان می‌دهد، سهم واردات کالاهای سرمایه و واسطه‌ای در مقایسه با سال‌های گذشته رشد چشمگیری داشته و در مقابل واردات کالاهای مصرفی و... افت محسوسی را تجربه کرد. این تغییرات به ممنوعیت واردات برخی کالاها در اواخر دولت دهم، محدودیت منابع ارزی، افزایش تولید کالاهای مصرفی در داخل و... برمی‌گردد. در

سال ۹۱ دولت کالاهای وارداتی را به ۱۰ گروه تقسیم کرده بود، واردات گروه ۱۰ ممنوع شده بود. با همه اینها اما بعد از روی کار آمدن دولت یازدهم، در سال ۹۳ ممنوعیت ثبت سفارش واردات کالاهای اولویت ۱۰ عملاً لغو شد و ورود این کالاها به کشور از سر گرفته شد. خوشبینی‌های سیاسی و آزاد شدن برخی منابع بلوکه شده ایران باعث رفع ممنوعیت در واردات عمده کالاها در حد فاصل سال‌های ۹۳ تا ۹۷ شد که بار دیگر ترکیب کالاهای وارد شده به کشور را به روال سابق برگرداند. براساس آمارها سهم ارزشی کالاهای واسطه‌ای از کل واردات از حدود ۷۳ درصد در سال‌های ۹۱ و ۹۲ به حدود ۶۸ درصد در سال ۹۳ رسید. در سال ۹۶ شاهد افت این رقم به زیر ۶۰ درصد بودیم. در مقابل افت سهم ارزشی کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، واردات کالاهای مصرفی (عمده آنها غیر ضرور و دارای کالای مشابه تولید داخل یا دارای ظرفیت بالقوه داخلی بودند) افزایش پیدا کرد تا جایی که سهم این کالاها از کل ارزش واردات کشور از ۱۲ درصد در سال ۹۲ به ۱۸ درصد در سال ۹۶ رسید.

### کاهش ۲۵ درصدی صادرات در سال ۱۳۹۹

با خروج یکجانبه دولت آمریکا از توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و اجرایی شدن تحریم‌های مالی و اقتصادی طی سال ۱۳۹۷، فضای بازرگانی خارجی کشور شرایط متفاوتی را تجربه کرد، به خصوص اینکه دولت دوازدهم تمامی اهداف خود را به برجام و رابطه با غرب گره زده بود و علی‌الظاهر هیچ برنامه جایگزین و احتیاطی نداشت. در سال‌های ۹۷ و ۹۸ تحت تأثیر تحریم‌های ظالمانه آمریکا، صادرات کشور در سه سال به ترتیب به ۴۵ و ۳۵ میلیارد دلار افت پیدا می‌کند که این میزان با تأثیر مضاعف کرونا در سال ۹۹ تا ۳۴ میلیارد دلار نیز پایین می‌آید. میزان صادرات در دولت دوازدهم با افت ۲۵ درصدی همراه بوده است. به طور کلی با بررسی سهم تجارت کشور از سهم تجارت جهانی، می‌توان دریافت که طی سال‌های مورد بررسی (۱۳۹۶-۱۳۹۹) همواره سهم ایران از تجارت جهانی کمتر از ۵/۰ درصد بوده و علیرغم اینکه حجم تجارت جهانی از حدود ۳۲ هزار میلیارد دلار در سال ۱۳۹۵ به حدود ۳۵ هزار میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است، اما وضعیت تجارت خارجی کشور بدتر شده و سهم آن از تجارت جهانی از ۳/۰ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۲/۰ درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است.

### ۵ عامل افت تجارت خارجی در سال ۱۳۹۹

اعداد و ارقام در قسمت قبل بیانگر روند ضد ادواری تجارت خارجی کشور در دولت دوازدهم در مقایسه با تجارت جهانی بوده و از ۵ مورد نشأت می‌گیرد؛ الف) ضعف زیرساخت‌های بازرگانی (لجستیک، ترانزیت، بیمه، بازاریابی، حفظ ماندگاری در بازار و...)، فقدان استراتژی توسعه تجاری، ضعف دیپلماسی فعال اقتصادی و تجاری و همچنین توجه ناکافی به اهمیت بازرگانی خارجی در اقتصاد ایران است. ب) یکی از دلایل اصلی افت جایگاه تجارت خارجی طی سال‌های مورد بررسی علاوه